هویت تاریخی دریای خزر وابسته به حیات ۱۵ رودخانه

با آن که بسیاری از کارشناسان، کاهش ورودی آب به دریای خزر را باعث خسارت‌های زیست‌محیطی سنگین می‌دانند، کمتر کسی به این مسئله فکر می‌کند که این اقدام، می‌تواند هویت تاریخی و چندهزار ساله منطقه را تهدید کند. در این نوشتار به بررسی چرایی و چگونگی این تهدید پرداخته‌ایم

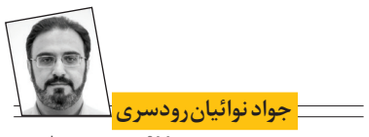

جواد نوائیان رودسری
j.navaean@khorasannews.com

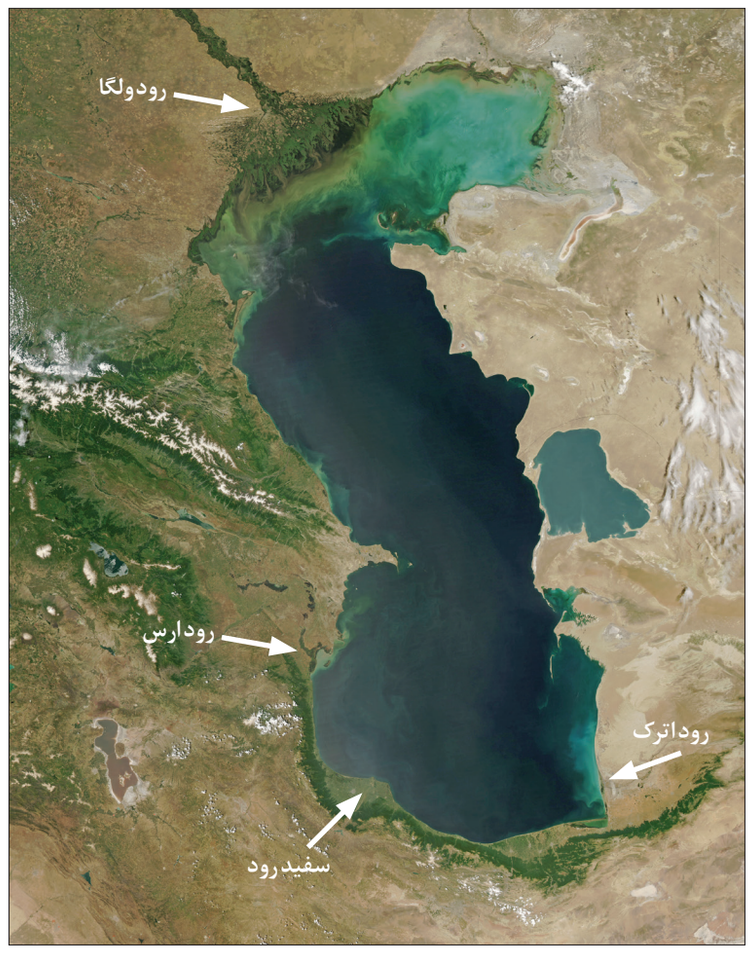

این روزها صحبت از کاهش ورودی آب رودخانه‌ها به دریای خزر، نگرانی هایی را به جان بسیاری دوستداران محیط‌زیست انداخته است. آن ها به حق، نگران از بین رفتن زیست‌بوم (اکوسیستم) طبیعی این دریاچه و مناطق اطراف آن، در پی کاهش سطح آب بزرگ ترین دریاچه جهان هستند. این نگرانی ها و مطالبات مربوط به کنوانسیون تهران (امضا شده توسط کشورهای حاشیه این دریا در سال ۲۰۰۳ که طبق آن، همه اعضا ملزم به رعایت مقررات زیست‌محیطی شده‌اند.) معمولاً دغدغه اصلی موضوع کاهش ورودی آب دریای خزر تلقی می‌شود، اما باید توجه داشت که آسیب‌های زیست‌محیطی، تنها مسئله مربوط به این قضیه نیست. واقعیت آن است که رودهای متصل به دریای خزر، نقش راهبردی و بنیادین در شکل دادن به هویت تاریخی این منطقه دارند و تهدید موقعیت آن ها به عنوان تأمین کننده آب دریای خزر، می‌تواند آسیب‌های جدی و اساسی به این هویت وارد کند؛ موضوعی که ما برآنیم ضمن بررسی اجمالی تاریخ دریای خزر، به آن بپردازیم.

■ «خزر»؛ نامی که ایرانی نیست

خزرها، قومی که «دریای خزر» از اسم آن ها گرفته شده‌است، از اقوام تُرک‌نژاد ترکستان غربی در غرب چین و مغولستان بودند که در کوچ‌های گسترده اقوام بیابانگرد، خود را به مناطق شمالی قفقاز رساندند. طولی نکشید که زیر نظر امپراتوری ترکان که در محدوده بین فراردوان تا چین حاکمیت داشت، حکومتی تأسیس کردند که بیشتر بر مبنای روابط قبیله‌ای استوار بود. از دیگر طوایف ترک‌نژاد و زردپوست ترکستان که تقریباً هم‌زمان با خزرها، از آن منطقه جدا شدند و خودشان را به شرق و مرکز اروپا رساندند، می‌توان به «هون‌های زرد» اشاره کرد که بر بخش هایی از قاره سبز استیلا یافتند و در نهایت، در زمان فرمانروایی «آتیلا»، روم غربی را هدف حملات سنگین قرار دادند و پایان این امپراتوری دیرپا را رقم زدند. اما خزرها برخلاف هون‌های زرد، توانستند حکومتی نسبتاً پایدار را پدید آورند که اوج اقتدار آن بین سال‌های ۶۵۰ تا ۸۵۰ میلادی بود. خزرها به دلیل خوی صحرانشینی و به‌رغم تأسیس پایتخت، ابتدا در «بلنجر» و بعدها در «آتل» که هر دو شهر بعدها نابود شده و به تاریخ پیوستند، هم‌چنان به غارت مناطق آباد چشم داشتند. آن ها تقریباً به صورت مداوم، مرزهای ایران را در شمال قفقاز و حتی مناطق شرقی دریای خزر، هدف هجمه قرار می‌دادند. این حملات، توسط ساسانیان دفع می‌شد و خزرها، هیچ‌گاه نتوانستند به طور مستقل بر ایرانیان غلبه کنند. اما این دشمنی دیرپا، گاه در اتحاد خزرها با امپراتوری روم بروز و ظهور می‌یافت و اسباب دردسر ساسانیان در قفقاز می‌شد. با ورود اسلام به ایران، نخستین برخورد خزرها با مسلمانان، در نبردهای شمال قفقاز رقم خورد. اعراب مسلمان که پیشینه تاریخی دریای خزر و سابقه تسلط ایران بر نواحی اطراف آن را نمی‌دانستند، این دریاچه بزرگ و به‌واقع بزرگ‌ترین دریاچه جهان را به نام خزرها خواندند؛ در حالی که از منظر تاریخی، نام‌هایی که به این دریاچه اطلاق می‌شد، ارتباطی به خزرها نداشت؛ اما این عنوان به تدریج در متون جغرافیایی دانان مسلمان رایج و در کنار نام‌های دیگر به کار برده‌شد. مسلمانان در چند نبرد سنگین، مانند جنگ سرنوشت‌ساز «دربند»، خزرها را شکست دادند، اما قدرت آن ها در مناطق ماورای قفقاز، باعث توقف حرکت مسلمانان به سمت شمال شد. در واقع خزرها همان نقشی را در کوه‌های شمال قفقاز بازی کردند که فرانک‌ها در نبرد «پواتیه» و جلوگیری از ورود مسلمانان به غرب اروپا و فرانسه امروزی داشتند. بعد از شناخت ریشه‌های نام خزر، این پرسش پیش می‌آید که نام اصلی و اصیل بزرگ ترین دریاچه جهان چیست؟ شاید جالب باشد که بدانید در متون جغرافیایی قدیم، بیش از ۳۵ نام برای دریای خزر ثبت شده‌است؛ از جمله «بحر خراسانی»، «بحر جرجان» (دریای گرگان)، «بحر قزوین»، «کاسپین»، «بحر طبرستان»، «دریای آبسکون»، «دریای مازندران»، «دریای دیلم»، «دریای ساری»، «بحر جیلان» (دریای گیلان)، «دریای مغان»، «بحر باب‌الابواب» (دریای دربند)، «دریای شیروان» و «بحر الجبال». در میان این نام‌ها، به اعتقاد برخی ایران‌شناسان مشهور، مانند «واسیلی بارتولد»، ایران‌شناس معروف روس، نام «کاسپین» اعتبار بیشتری دارد؛ نامی که برخی ریشه آن را نام شهر «قزوین» و برخی دیگر، نام قومی باستانی به نام «کادوسی‌ها» می‌دانند که در دوران باستان، ساکن گیلان شدند. به این ترتیب، نام گذاری بزرگ ترین دریاچه جهان با عنوان «دریای کاسپین»، به اعتبار فرهنگ و تاریخ دیرپای سرزمین ایران در نواحی جنوبی این دریاچه، معتبرتر و قابل اعتناتر به نظر می‌رسد؛ اما به دلیل رواج نام «خزر»، ما نیز در این نوشتار، ناگزیر از همین نام استفاده خواهیم کرد.

■ رودخانه‌های تمدن‌ساز

هر چند آب دریای خزر شور است، اما رودهای متعددی که به آن می‌ریزد، در زمره پرآب‌ترین رودهای منطقه و تأمین کننده آب شیرین مورد نیاز ساکنان اطراف دریای خزر، اعم از انسان‌ها و دیگر موجودات به حساب می‌آید. وجود دریا، باعث پدید آمدن هوایی معتدل و مرطوب در سرزمین‌های متصل به دریای خزر می‌شود و همین مسئله، در کنار رودخانه‌های پرآب که تأمین کننده آب‌باستانی و همیشگی آب مورد نیاز بقای این دریاچه بوده‌اند، باعث ایجاد سکونتگاه‌های دایمی انسان در این منطقه شده است. در مجموع ۱۵ رود و رودخانه پرآب، به دریای خزر می‌ریزند که هم از نظر تاریخی و هم از نظر جغرافیای سیاسی و طبیعی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. این ۱۵ رود عبارت است از: ۱. امبا که از قزاقستان غربی سرچشمه می‌گیرد و از شمال شرقی به خزر می‌ریزد. ۲. اورال یا ایک که از رشته کوه‌های اورال جنوبی شروع و از سوی شمال وارد خزر می‌شود. ۳. ولگا یا اتل که از ارتفاعات والدای در استان تور سرچشمه می‌گیرد و از شمال غربی به خزر می‌پیوندد. ۴. کوما که سرچشمه آن در دامنه شمالی کوه‌های البروس و مصب آن در مغرب دریاست. ۵. ترک از جنوب غربی دامنه کوه‌های کازبک یا قبق در قفقاز سرچشمه می‌گیرد و از مغرب به خزر می‌ریزد. ۶. سمور که سرچشمه‌های آن در کوهساران قفقاز و داغستان است و از مغرب وارد خزر می‌شود. ۷. ارس که از کوه هزاربر در جنوب ارزروم ترکیه سرچشمه می‌گیرد و از جنوب غربی وارد خزر می‌شود. ۸. سفیدرود که از بلندی‌های چهل‌چشمه کردستان آغاز می‌شود و در کرانه جنوبی خزر پایان می‌گیرد. ۹. چالوس که از کندوان شروع می‌شود و در کرانه جنوبی دریا به آن می‌پیوندد. ۱۰. هراز که از دره‌لار در شمال تهران شروع می‌شود و در کرانه جنوبی به دریا می‌ریزد. ۱۱. بابُل که از کوه‌های سوادکوه سرچشمه می‌گیرد و در کنار بندر بابلسر یا مشهدسر وارد دریا می‌شود. ۱۲. تجن که از کوه‌های هزارجریب شروع می‌شود و در کرانه جنوبی به خزر می‌پیوندد. ۱۳. نکاء که سرچشمه‌های آن در شاهکوه و کوه‌های هزارجریب است و در کرانه جنوبی به دریا می‌ریزد. ۱۴. گرگان که از کوه‌های آلاداغ در نزدیکی بجنورد شروع می‌شود و در کرانه‌های جنوب‌شرقی به خزر می‌ریزد و ۱۵. اترک که از هزارمسجد سرچشمه می‌گیرد و در خلیج حسینقلی به دریا می‌ریزد. افزون بر این‌ها، در طول تاریخ گاهی رود بزرگ «جیحون» را هم در ردیف تأمین کنندگان آب دریای خزر آورده‌اند؛ هر چند امروزه، آب این رود بزرگ به دریاچه آرال می‌ریزد. تمام این رودها در مسیر حرکت خود به سوی دریای خزر، برزندگی مردمان کرانه‌های خود اثر می‌گذارند. برخی مانند ارس و اترک، نقش مرز میان کشورها را بازی می‌کنند و برخی دیگر مانند ولگا، گذرگاه آبی شمال خزر برای اتصال به روی «دُن» را می‌سازند که دریای خزر را به دریاهای آزاد وصل و به صورت مصنوعی، این دریاچه را به دریا مبدل می‌کند. هر کدام از این رودها، بانی ایجاد تمدنی دیرپا است که از هر نظر، به حیات دریای خزر وابسته بوده است. رودهای کوما، ترک و ارس بانی شکل گرفتن تمدن‌های دیرپا در قَفقاز هستند، منطقه‌ای که برای قرن‌ها، کانون تکاپوی اقوام مختلف بوده‌است. سفیدرود و تِجن، مهد پیدایش تمدن‌های بزرگ و باستانی، هم‌چون تمدن دیرپای «مارلیک» بوده و حیات مناطق شمال ایران به شکل جدی، وابسته به حیات این رودها و بقای دریای خزر است؛ همچنین است رودهایی مانند اترک و ولگا که اولی در خراسان بزرگ منشأ تحولات بوده و دومی در تاریخ روسیه و اقوام ماوراء قفقاز، حضوری کلیدی دارد.

■ آنچه از منظر تاریخی مهم است

نقش تاریخی رودهای متصل به دریای خزر، از خودِ این دریا کمتر نیست. برای قرن‌ها، این رودخانه‌ها محور تولیدات دام پروری، کشاورزی و صنعتی بوده‌اند که باعث رونق تجارت در دریای خزر می‌شد و همین روابط تجاری که گاه رنگ خصومت و جدال به خود می‌گرفت، هویت تاریخی دریای خزر را تشکیل می‌داد. به همین دلیل، رودخانه‌های پانزده‌گانه اطراف این دریا، نه تنها در حراست از بقای دریاچه مؤثر هستند، بلکه هویت تاریخی آن را هم بیمه می‌کنند. روابط اقتصادی و سیاسی میان شمال و جنوب این دریاچه، طی قرن‌ها و با فراز و فرودهای مختلف، ادامه داشته‌است. سامانیان که برای مدتی بر بخش‌هایی از شرق و جنوب شرقی دریای خزر مسلط بودند، باب تجارت با اقوام شمالی را که تا پیش از آن، تنها از مسیر خوارزم و اسپ‌های شرقی روسیه ممکن بود، از طریق این دریا باز کردند؛ آن گونه که تاجران ایرانی، فرصتی طلایی را برای حضور در شمال و شرق اروپا به دست آوردند. امروزه، سکه‌های حکومت ایران در عهد سامانی و غزنوی را می‌توان در گنجینه‌های کشف شده از اقوام شمالی اروپا، به‌ویژه وایکینگ‌ها یافت. در طول تاریخ، هیچ‌گاه حکومت‌های مسلط بر ۱۵ رودخانه اطراف دریای خزر، در پی محدود کردن و انحراف مسیر این رودها نبوده‌اند. بقا و موقعیت فعلی این دریاچه و نیز هویت تاریخی و اصیل آن همواره وابسته به تداوم جریان رودخانه‌های پانزده‌گانه بوده است؛ رودخانه‌هایی که بقای حیات جماعت انسانی و فعالیت‌های آن را ضمانت می‌کند و نقش مهمی در تداوم هویت تاریخی دارد.

چگونه آخرین امید غلبه بر مغولان، نابود شد؟

خداحافظ جلال‌الدین!

گزارش تاریخی

هجوم مغولان یکی از مصیبت‌بارترین ادوار تاریخ ایران را رقم زد. این غارتگری بی‌حد و مرز بلایی بر سر سرزمین آباد ما آورد که دیگر نتوانستیم شکوه پیشین را در دوره‌های بعد و حتی در عصر صفویان تجربه کنیم. شهرهای آبادی مانند مرو، توس، نیشابور و هرات ویران شد و میلیون‌ها ایرانی طعم تلخ مرگ را چشیدند. گریختن سلطان محمد خوارزمشاه از مقابل مغولان، آنان را به هجوم بیشتر و تعقیب سلطان بزدل خوارزم، ترغیب کرد و به این ترتیب، خراسان بزرگ و نواحی مرکزی ایران لگدکوب سم ستوران مغول شد. اما در این بین، جلال‌الدین خوارزمشاه، فرزند سلطان محمد که از نظر شجاعت شباهتی به پدر خود نداشت، پرچم مقاومت را برافراشت و مغولان را در «پروان» به سختی مغلوب کرد؛ آن گونه که چنگیز خود شخصاً به میدان آمد و در نزدیکی رود سند پس از نبردی سخت و خونین وی را شکست داد. اما جلال‌الدین از میدان جان به در برد؛ با اسب به رود خروشان سند زد و از آن گذشت و توانست طی سه سال، لشکری را در منطقه لاهور گردآورد و به سوی ایران بازگردد. با این حال، نتوانست پیروزی خیره کننده پروان را تکرار کند. در همین بین، پیامی برای خلیفه الناصر در بغداد فرستاد و از وی خواست که او را در نبرد با مغلوان یاری رساند؛ اما خلیفه عباسی به جای اتحاد با جلال‌الدین، سپاهیانی را برای سرکوب وی اعزام کرد. به این ترتیب، جنگ داخلی میان جلال‌الدین از یک سو و خلیفه عباسی و سایر امرا از سوی دیگر آغاز شد. جلال‌الدین توانست در برخی مصاف‌ها پیروز میدان باشد، اما شجاعت، به تنهایی، برای غلبه بر دشمن کافی نیست. او در نخستین روز ماه شوال سال ۶۲۸، هنگامی که در دشت مغان اردوزده و به باده‌گساری مشغول بود، ناگهان خود را در محاصره مغولانی یافت که به فرماندهی اوکتای، پسر چنگیز، درصدد کشتن وی برآمده بودند. جلال‌الدین از این مهلکه نیز گریخت، اما در «میافارقین» گرفتار قبایل کوه‌نشینی شد که پیشتر برخی از بزرگان‌شان را از بین برده بود. به این ترتیب در ۱۶ شوال سال ۶۲۸، یکی از کوه‌نشینان، به خونخواهی قتل برادرش توسط جلال‌الدین، وی را کشت.

دور دنیای هزار سال قبل با «سلیمان سیرافی»

گزارش تاریخی

دریانوردان بزرگی داشتیم در روزگاری که هنوز دریانوردی جسارت بسیاری می‌خواست. ایرانیان مسلمان به‌ویژه از قرن سوم هجری به بعد با کشتی‌های مدرن خودشان، چهارگوشه دنیای شناخته شده آن روز را به هم متصل کرده بودند؛ شیوه آن ها در مسیریابی و استفاده از ستاره‌ها باعث دقت فوق‌العاده دریانوردان کارکشته ایرانی در یافتن راه‌های جدید دریایی شد و این گونه بود که بازرگانان سرزمین ما، توانستند کالا و فرهنگ غنی خودشان را از سواحل شرقی آفریقا تا جزایر اسرارآمیز مالایا در جنوب شرقی آسیا، منتشر کنند، اما در بین این دریانوردان شجاع، تعدادی خط شکن حضور داشتند که سفر را نه فقط از جنبه یافتن مسیرهای تجاری، بلکه برای ارتباطات فرهنگی و شناخت تمدن‌های دوردست دنبال می‌کردند و سلیمان سیرافی یکی از آن ها بود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که وی اوایل قرن سوم هجری، سفر خود را در کسوت یک بازرگان دریانورد از بندر سیراف (بوشهر فعلی) که زادگاهش نیز بود، آغاز کرد و پس از تحمل مشقت بسیار و عبور از اقیانوس هند، مسیری کوتاه‌تر و جدید برای ارتباطات دریایی یافت. او چنان این مسیر را به دقت در کتاب خود، «اخبار الصین و الهند» درج کرد که قرن‌ها بعد، دریانوردان اروپایی با استفاده از همین کتاب، به مسیریابی در اقیانوس هند پرداختند. سلیمان سیرافی گزارش مفصلی درباره مشاهدات خود در هند، چین و جزایر مالایا به دست داده‌است که در زمره مهم‌ترین اسناد تاریخ دریانوردی و جهانگردی ایرانیان قرار دارد. احتمالاً او کتابش را سال ۲۲۹ شمسی (۲۳۶ هـ.ق) هم‌زمان با حکومت طاهریان در ایران، به رشته تحریر درآورده باشد.

«هم کلام‌ها»؛ مأموران اطلاعاتی نادرشاه!

نکته تاریخی

نادرشاه مانند دیگر سلاطین مقتدر تاریخ ایران، ارتش را تکیه‌گاه اصلی خود برای حفظ اقتدار در نظر می‌گرفت؛ اما برای کنترل حکام ولایات، استفاده از نیروهای نظامی البته به صورت آشکار، چندان معقول و کارآمد نبود. به همین دلیل، نادرشاه گروهی را با عنوان «هم کلام» برگزید که وظیفه آن ها، گزارش عملکرد حکام و جمع‌آوری اطلاعاتی بود که نادر درباره ارزیابی حاکمان منصوب خود مطالبه می‌کرد. هم کلام‌ها در کنار والی و به عنوان یکی از ارکان او فعال بودند و باید در تمام جلسات و گفت‌وگوهای وی با دیگران حاضر می‌شدند. این شیوه البته خیلی کاربردی به نظر نمی‌رسید. نادر برای نظارت بر «هم کلام‌ها»، فکری نیندیشیده بود و این را باید پاشنه آشیل ساختار اطلاعاتی وی بدانیم. به هر حال، مأموران ارشد اطلاعاتی شاه افشار، سعی می‌کردند وظیفه خود را به دقت انجام دهند؛ نه از این بابت که دوست نداشتند رشوه بگیرند؛ بلکه از آن رو که از نادرشاه وحشت داشتند و از قساوت وی در کشتن خائنان، کاملاً آگاه بودند. به همین دلیل، شیوه استفاده از «هم کلام» پس از کشته شدن نادر از سوی فرمانروایان بعدی دنبال نشد.

تقسیم «کیک آفریقا» بین استعمارگران اروپایی

تاریخ استعمار

یکی از غم‌انگیزترین وقایعی که می‌توان در بررسی تاریخ جهان با آن روبه‌رو شد، معامله قدرت‌های نظامی بر سر منافعی است که به هیچ کدام از آن ها تعلق ندارد. برای مردم جهان سوم، تلخی این رفتار در ابعاد مختلف و طی قراردادهای شوم متفاوت کاملاً شناخته شده‌است. در این بین، قاره آفریقا و به ویژه مناطق جنوبی خط استوا که عموماً ساکنان آن را سیاه‌پوستان «بانتو» زبان تشکیل می‌دهند، بیش از دیگر نقاط قاره سیاه، آماج این رفتارهای گستاخانه و ضدبشری بوده‌اند. این رویکرد تا اوایل قرن ۱۹، با شنیع‌ترین شکل ممکن ادامه داشت؛ اما هنگامی که گرگ‌ها تصمیم گرفتند لباس میش بپوشند و ژست‌های حقوق بشری بگیرند، مفهوم قیمومیت در میان آنها جان گرفت و برای جلوگیری از نزاع‌های گسترده که هزینه‌های سنگین سیاسی را برای دولت‌های اروپایی در میان مردمشان به وجود می‌آورد، بهتر دیدند بر سر میز مذاکره بنشینند و مثل انسان‌های عاقل، مشکلات را حل و فصل کنند! در سال ۱۸۸۴ میلادی (۱۲۶۳ خورشیدی و مقارن حکومت ناصرالدین‌شاه در ایران)، کنفرانسی در شهر برلین برگزار شد که در آن، کیک قاره آفریقا را بین حاضران تقسیم کردند! آلمان توانست با استفاده از چانه‌زنی‌های دیپلماتیک و نشان دادن چنگ و دندان میلیتاریسم رو به رشد خود، منافعی را در غرب آفریقا تصاحب کند که کشور فعلی کامرون یکی از آن ها بود. کنفرانس برلین ۱۸۸۴، در واقع دورهمی چند کشور، برای تعیین سرنوشت و تکلیف مردمان یک قاره بزرگ و صاحب تاریخ و پیشینه بود؛ سرزمینی که طی هزاران سال از عمر خود، شیاطینی چنین وحشی و غارتگر ندیده بود!

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

پروانه اشتغال مهندسی به شماره ۱۹۳۰۰۰۰۲۸۳ اینجانب غلامرضا حاجی اربابی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.
۳۰۲۹۴

آگهی مزایده عمومی شماره ۲۰۰۲۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۱

شهرداری طرقبه در نظر دارد نسبت به فروش یک واحد آپارتمان، با جزئیات مندرج در اسناد مزایده با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir با شماره ۲۰۰۲۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.
- تاریخ انتشار اسناد در سایت از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ می باشد.
- مهلت دریافت اسناد مزایده از سایت تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۸
- تاریخ بازدید از ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ تا ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ از ساعت ۸ صبح تا ۱۲
- مهلت ارائه پیشنهاد تا ساعت ۱۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۹
- زمان بازگشایی پاکت ها ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می باشد:
۱. برگزاری مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده و تحویل غرفه در بستر سامانه از این طریق امکان پذیر می باشد.
۲. علاقه مندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:
مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/پروفایل مزایده گر" موجود است.
- شماره تماس جهت کسب اطلاعات بیشتر ۳۴۲۲۲۲۱۳ داخلی ۲۰۹

روابط عمومی شهرداری طرقبه
۳۱۰۱۹

مشاهده تمامی آگهی های
خراسان بزرگ
www.mozayedemonaghese.com
واحد پذیرش و سایت ۰۲۱-۶۹۱۰۵۴۲۵
مزایده مناقصه
زودتر با خبر شوید ...

بیمارستان و زایشگاه سینا
جهت تکمیل نیروی انسانی خود نیاز به تخصص های مندرج در سایت بیمارستان دارد.
متقاضیان می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر به آدرس WWW.Sinahosp.ir مراجعه نمایند.
۳۱۱۱۸

آگهی مناقصه
سلیمان قاین

شرکت سیمان قاین (سهامی عام) در نظر دارد **عملیات حمل و تخلیه ۲۰ میلیون لیتر مازوت را از مبادی پالایشگاه‌های (تهران اصفهان، بندرعباس) به مقصد کارخانه سیمان قاین طبق اسناد از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید .**
● **مناقصه شماره:** ۱۴۰۲/۰۸ ● **موضوع مناقصه:** عملیات حمل و تخلیه ۲۰ میلیون لیترمازوت از مبادی پالایشگاه‌های(تهران، اصفهان بندرعباس) به مقصد کارخانه سیمان قاین. ● **اسناد شرکت در مناقصه:** اسناد مناقصه بایستی در ۳ پاکت (الف)ضمانت نامه (ب)رزومه کاری (ج)پیشنهاد قیمت تهیه وارسال گردد. ● **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال(بیست و پنج میلیارد ریال) که از سوی پیشنهاد دهنده به صورت واریز وجه سپرده به حساب شماره ۰۱۰۵۶۳۴۵۹۸۰۰۱ به نام شرکت سیمان قاین نزد بانک ملی یا ضمانتنامه بانکی و یا چک صیادی ثبت شده به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۱۷۱۵۴ خواهد بود و می‌بایست شرکت‌کنندگان اصل تضمین ارائه شده را در پاکت جداگانه گذاشته و تحویل امور مالی این شرکت نموده و پس از دریافت رسید کپی آن را در پاکت الف تحویل واحد حراست نمایند.
● **مهلت دریافت اسناد:** از تاریخ درج آگهی حداکثر تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۳۰
● **محل دریافت اسناد:**
◄ سایت شرکت سیمان قاین (www.qayencement.com)
◄ خراسان جنوبی، قاین، کیلومتر ۱۰ جاده قاین- بیرجند، کدپستی ۹۷۶۱۱-۵۱۱۱۱
◄ تهران، سهروردی شمالی، کوچه شهید حمید قدس(اندیشه دوم) پلاک ۶۹، طبقه دوم، کدپستی ۶۶۱۱-۱۵۶۹۶۴.
● **شرایط مناقصه:** ◄ ارائه تضامین شرکت در مناقصه ◄ داشتن توان مالی ،حسن سابقه و تجربه در کار مشابه ◄ ارائه مجوز از شرکت نفت ◄ توان حمل روزانه حداقل ۴۰۰ هزار لیتر ◄ هزینه درج آگهی و سایر کسورات قانونی بر عهده برنده مناقصه می باشد. ◄ شرکت سیمان قاین در رد یا قبول پیشنهادات مختار است. ● به پیشنهادات ناقص نامشخص، مخدوش و فاقد تضمین شرکت در مناقصه ترتیب اثر داده نخواهدشد.
شرکت سیمان قاین (سهامی عام)